



گزارش کارگزاران عثمانی درباره تکاپوهای عباس افندی برای خرید زمین های اعراب فلسطین به بهای کم و فروش آن ها به یهودیان مهاجر به بهای زیاد، به حدود سال ۱۳۰۹ ق. (استانبول، بایگانی نخست وزیر عثمانی، ش ۲، ۳۹۱، ۲۷، PRK.AZJ)

افندی گویای بشارت های او به آینده نیکوی یهودیان در سرزمین فلسطین (ارض موعود) آن هم در زمانی نزدیک است. وی در یکی از آن مکتوب ها این گونه گفته:

هواالله  
ای پروردگار، در کتب و صحف، به واسطه انبیاء، اخبار فرموده های و اسرائیل را بشارت داده ای و نوبد بخشیده ای که روزی می آید که اسرائیل نوید امیدوار گردد و اسیر ذلت کبری عزت ابدیه باید [و] آن قوم پریشان در ظل رب الجنود در ارض مقدسه سروسامان یابند و مغیضان محبوب جهانیان شوند. حال ستایش تو را که روز آن آسایش آمد و اسباب سرور و شادمانی حاصل شد. اسرائیل عن قریب جلیل گردد و این پریشانی به جمع مبدل شود. شمس حقیقت طلوع نمود و پرتو هدایت بر اسرائیل زد تا راه های دور با نهایت سرور به ارض مقدس ورود یابند.

سال ۱۳۱۸ ق در عکا چاپ شد، ضمن انتقاد از عباس افندی در تدرک جایی دیگر برای آرامگاه باب و به خاک سپردن او در آرامگاه بهاء الله، این کار وسیله جمع مال برای او گفته شده و آنچه در مقصروانند او نزد دولت عثمانی شهرت یافته بود نادرست دانسته شده و مراجعه به حکومت حیفاراه سنجش حقیقت از دروغ یاد شده است.

تأمل در گزارش پیش گفته حکومت عثمانی گویای آن است که در صورت پذیرش درستی مواد آن باید پذیرفت که آنچه پیروان عباس افندی توطئه بدنامی او گفته و به پیروان محمد علی افندی منسوب کرده اند به صورت مطلق درست نیست و در سال های پایانی حیات بهاء الله و پیش از بروز اختلاف های دو جانشین او ریشه داشت.

+

**بشارت های عباس افندی به برپایی دولت یهودی در فلسطین (حدود ۱۳۳۵ ق)**

در این میان، برخی دیگر از مکتوبات عباس

حکومت عثمانی به تبعید او به صحرای فیزان یا غرق کردنش در دریا یا دزدنش سخن گفته شده و درباره حکم بیروت آمده که «کرار گفته بود اول حکمی که اجرا خواهد نمود عبدالبهاء را در دروازه عکا دار خواهد زد». در نگاه این مکتوبات، آنچه پیروان محمد علی افندی (ناقضان) به دروغ به عباس افندی منسوب کرده و به حکومت عثمانی گزارش می دادند سبب ساز آن تصمیم ها بود. بهائیان بر آن اند که یکی از برادران عباس افندی که دل در گرو محمد علی افندی داشت تا آنجا پیش رفت که مجلس میهمانی ای فراهم کرد و، ضمن «پذیرایی کامل» از «هیئت عسکریه عکا و حیفاء» و به ویژه «رئیس ژاندارمه»، با آوردن دختر خود به آن مجلس و برپا کردن «مجلس طرب» خواست تا او «در حالت مستی و رقص» دستور تبعید یا اعدام عباس افندی را از رئیس ژاندارمه بگیرد.

از آن سوی، پیروان محمد علی افندی این نسبت ها را نمی پذیرفتند. به عنوان نمونه، در کتاب ایتان الدلیل لمن یرید الإقبال الی سوا السبیل که از سوی جمعی از ایشان به